

دکتر علیرضا باهنر دانش آموخته دکترای عمومی دامپزشکی از دانشگاه تهران، دکترای تخصصی اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران و استاد اپیدمیولوژی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در گفتگویی با دامیران، در این خصوص، از لزوم شکستن دیوار بین دانشگاه و جامعه و حضور موثر اساتید دانشگاهی در صنعت دامپزشکی و دامپروری کشور سخن می گوید:

کشور ما از نظر تولید مقالات پژوهشی در دنیا چه جایگاهی دارد؟

ایران در تولید علم مقام پانزدهم جهان را دارد که این هم در بین کشورهای منطقه، و هم در بین کشورهای اسلامی، رتبه بسیار خوبی است. ولی آنچه اهمیت دارد، تجاری سازی علم است که ما از این نظر در دنیا رتبه هفتاد و یکم را داریم که ما را به فکر فرو می برد. مجموعه سرمایه گذاری هایی که در گسترش آموزش عالی در سال های اخیر انجام شد و با افزایش تعداد اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ظرفیت خوبی برای فعالیت های تحقیقاتی ایجاد شده است. منتها مباحث مرتبط با تولید مقالات علمی بسیار گسترده و متنوع است.

از شاخص های مهم، سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص ملی است که با وجود اینکه قرار بوده به ۳ درصد رشد پیدا کند، در حال حاضر در کشور ۴/۰ درصد اعلام می شود. این رقم از آنچه مقرر بود بسیار پایین تر است، و در سالهای اخیر نیز به دلیل مشکلات اعتباری، سیر نزولی داشته است.

اگر بخواهیم روی تغییر تعاریف دانشگاه ها در دنیا طی سالهای اخیر مروری بکنیم، باید بدانیم که دانشگاه های نسل اول آموزش محور، دانشگاه های نسل دوم در کنار فعالیتهای آموزشی، پژوهش محور، دانشگاه های نسل سوم، کارآفرین و نه صرفا آموزش و پژوهش محور، و در آخرین تعریفی که برای دانشگاه های نسل چهارم ارائه شده، دانشگاههای کارآفرین، باید مسئولیت اجتماعی را نیز مدنظر قرار داده و جامعه محور باشند.

در حال حاضر ما در کشور ۸۰۰ هزار دانشجوی ارشد و دکترا داریم که سالانه تعداد قابل توجهی پژوهش در قالب پایان نامه انجام می دهند. ما زمانی می توانیم بگوییم که این ظرفیت ها در راستای کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی حرکت می کند، که منجر به نوآوری شود.

اعلام می شود که در آمریکا از هر ۵۰۰ پژوهش، یک نوآوری ایجاد می شود در حالی که در ایران، از هر ۱۷۰ هزار مقاله، تنها و تنها یک نوآوری با ارزش به وجود می آید که این باید ما را به تامل وادارد.

این پژوهش ها تا چه حد می توانند به رشد صنعت دامپروری کشور کمک کنند؟

صنعت دامپروری ما به شدت نیازمند پژوهش های علمی تولید دانشگاه ها و موسسات پژوهشی است. عنایت دارید که گسترش کمی خوبی در حوزه دامپروری، چه در صنعت طیور، و چه در صنعت آبزیان صورت گرفته است. پرورش دام نیز در کشور ما پیشینه طولانی داشته، و کشاورزی جزو مشاغل اصلی مردم ایران بوده است. ولی امروز وابستگی صنعت به خارج از کشور زیاد است و همه اینها می تواند زمینه های پژوهش را فراهم کند. به عنوان مثال، مضیقه های ارزی کشور در سالهای اخیر دامپروران را در تامین نهاد ها دچار چالش کرده، و نیاز به پژوهش برای دستیابی به راه استفاده از ذخایر بومی و توانمندیهای ملی، با هدف کاهش وابستگی ما در تامین نهاده ها، خود را نمایان ساخته است. در زمینه فرآورده های بیولوژیک، دارو، و واکسن، در رابطه با مواد اولیه و مواد موثره وابستگی های زیادی داریم که باید به آن توجه شود. در زمینه های اصلاح نژادی و ژنتیک نیز کار زیادی برای انجام داریم. به عنوان مثال در پی محدودیتهایی که در واردات نژاد راس وجود داشت، کشور سراغ نژاد آرین رفت و سرمایه گذاری های خوبی نیز در این زمینه انجام شد. ولی تمام اینها نیازمند پژوهش های زیادی است که مسائلی مانند ضریب تبدیل، تلفات، و ابتلا به بیماری ها، این نژاد را در شرایطی قرار دهد که تولید را اقتصادی کند. اخیراً واردات زیادی از نژادهای مختلف دام سبک انجام شده، و اصلاح نژادهای بومی خودمان که سازگار با اقلیم و اکولوژی کشور هستند، مغفول مانده است. از این رو می توانیم بگوییم که پژوهش ها تا حد زیادی می توانند در رشد صنعت دامپروری کمک کنند. به نظر من متولیان صنعت دامپروری، یعنی مجموعه وزارت جهاد کشاورزی باید عنایت ویژه ای به پژوهش های این عرصه داشته باشند تا بتوان به بحث امنیت غذایی که بسیار مورد توجه دولت است، جامعه عمل پوشاند.

مشکلات اصلی بخش علمی و پژوهشی در حوزه دامپزشکی کشور چیست؟ برای برون رفت از این مشکلات چه راهکارهایی را

پیشنهاد می کنید؟

در دانشگاه تهران از چند سال گذشته، از اساتید و هیئت علمی دانشگاه خواسته شد که برنامه جامع خود را برای تحقیقات خود ارائه دهند. این مسطر پلان ها ارائه شد و تلاش می شود بر همان اساس حرکت شود. ولی برنامه جامعی در حوزه پژوهش در بخش دامپزشکی وجود ندارد و ما موضوعات را در زمینه بیماری های دامی یا بهداشت دام به منظور سرمایه گذاری اولویت بندی نکرده ایم. مسلماً باید مشکلات صنعت شناسایی و لیست شوند و برای رفع آنها اقدام شود. به عنوان مثال در کشور بیماری هایی بومی شده اند و ما مدت مدیدی است که روی آنها کار می کنیم. مانند سل یا بروسلوز. این بیماری ها دارای برنامه های ملی هستند و دستورالعمل هایی مانند معدوم سازی و واکسیناسیون در رابطه با آنها اجرا می شود. ولی مهم این است که سالانه در رابطه با این بیماری ها چقدر فعالیت های پژوهشی انجام می شود؟

در رابطه با بیماری تب برفکی که بیماری بسیار با اهمیتی در حوزه دامی است و متأسفانه کشور ما نیز با این بیماری درگیری زیادی دارد، چقدر پژوهش انجام می دهیم؟ من با اطمینان می توانم بگویم که صنف، هیچ وقت به صورت جدی این سوالات را از خود نپرسیده است. ما باید این شهامت را داشته باشیم که یک بار از اول خود را باز تعریف کنیم و تصمیم بگیریم که با این مشکلات چه می خواهیم بکنیم.

کشور انگلستان در سال ۲۰۰۱ درگیر بیماری تب برفکی شد. این اپیدمی در آن کشور بسیار خوب مدیریت شد و پس از آن تا چندسال مقالات مستخرج از پژوهش ها و مدیریت این اپیدمی را در نشریات میدیم، و در حال حاضر نیز از این بیماری پاک شده اند. ولی ما در رابطه با بیماری های شایع در میان دام، طیور و آبزیان ایران، هرگز به صورت اصولی، برنامه منسجم تحقیقاتی کاربردی، که نتایج آن به درد اجرا بخورد نداشته ایم.

مشکل دیگر موازی کاری است که وزارت جهاد کشاورزی تقریباً به تعداد کل دانشگاه تهران (حدود ۲۰۰۰ نفر) هیات علمی دارد که شاید خود را تا حدی بی نیاز از خدمات پژوهشی دانشگاه ها در حوزه های مختلف کشاورزی می بیند.

ارتباط دانشکده های دامپزشکی با سازمان و سازمان نظام دامپزشکی به چه صورت است؟ چه برنامه هایی برای همکاری های مشترک بین این سه بخش وجود دارد؟

در ظاهر به نظر می رسد که ارتباط، ارتباط خوبی است. مدیران بخش دولتی، همکار ما و دانش آموختگان رشته دامپزشکی هستند. ولی با توجه به توضیحاتی که دادم ارتباط سازمان یافته ای که در حقیقت بتوانند پاسخگوی نیاز و مشکلات صنعت باشد وجود ندارد. توافق نامه هایی نیز دانشکده های دانشگاه تهران، در این زمینه ها در طی سالهای گذشته منعقد شده است، ولی این توافق نامه ها در حد امضا در یک جلسه و عکس یادگاری باقی می ماند و تمام می شوند. پس همانطور که گفتم ما نیاز به یک باز تعریف از خودمان و مسئولیت اجتماعی مان، و مشکلاتی که با آن دست به گریبان هستیم داریم.

میزان اعتماد و استقبال بخش اجرایی در حوزه دامپزشکی از پژوهش های انجام شده در چه حد است؟

اگر من بخواهم تجربه خودم را بگویم، استقبال خوبی از این پژوهش ها نمی شود. خود من پایان نامه هایی داشته ام که نسخه ای از آن را به سازمان داده ام؛ ولی شاهد هیچ بازخوردی نبوده ایم. پایان نامه در مقطع دکترای تخصصی داشتیم که مقالات بسیار با ارزشی نیز بر مبنای آن چاپ شد و به عنوان پایان نامه برتر در جشنواره پژوهشی دانشگاه تهران معرفی شد. با وجود اینکه موضوع نیز بحث روز و نیاز جامعه بود و دانشجویی که این تحقیق را انجام داد نیز، همکار سازمان دامپزشکی بود، ولی عنایتی روی این کار وجود نداشت. لذا در حال حاضر دو سوال وجود دارد. اول اینکه ما چقدر در رابطه با نیازهای حرفه پژوهش هایی انجام می دهیم که مورد نیاز سازمان دامپزشکی و سازمان نظام

دامپزشکی هستند؟ و دیگر اینکه چند درصد از پژوهش‌هایی که انجام می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرند؟ متأسفانه استفاده و عنایتی وجود ندارد و نیازمند بازبینی در روش‌ها و تصمیمات هستیم.

خدمات پژوهشی بخش علمی دامپزشکی به چه صورت و در چه قالب‌هایی قابل ارائه است؟

وزارت جهاد کشاورزی سازمان تات (سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی)، و بالای ۲۰۰۰ نفر هیئت علمی در اختیار دارد. از جمله این موعه‌های علمی، موسسه رازی است که احتمالاً حدود ۱۰ درصد از این اساتید هیئت علمی در این موسسه قدیمی و با ارزش مشغول هستند. در نتیجه خود وزارت جهاد، نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای برای فعالیت‌های پژوهشی در اختیار دارد که روی مسائل روز تحقیق و پژوهش می‌کنند. قسمتی که به دانشگاه‌ها مربوطه است و ما روی آن کار می‌کنیم، یا طرح‌های پژوهشی هستند که از طرف اساتید هیئت علمی ارائه می‌شوند که بعضی از این طرح‌ها، پژوهش‌های کاربردی هستند که مصادیق آن، اکثراً کارآزمایی دارویی است. و یا بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها نیز در قالب پایان‌نامه‌ها انجام می‌شود. از آنجایی که مقطع تحصیل دانشجویان ما دکترای عمومی است و آنها نیز ملزم به گذراندن ۶ واحد پایان‌نامه هستند، لذا تمام دانشجویانی که از مقطع دیپلم وارد دانشگاه می‌شوند، پایان‌نامه دارند. دانشجویهای دکترای تخصصی ما نیز پایان‌نامه‌هایی مفصل‌تر انجام می‌دهند. دانشجویهای کارشناسی ارشد نیز پژوهش‌هایی را در قالب پایان‌نامه ارائه می‌دهند. گسترش دانشگاه‌ها که از قضا به عقیده کارشناسان کار درستی نیست و من نیز با درست نبودن آن موافقم، به هر حال فرصتی را برای عرضه سالانه صدها طرح تحقیقاتی فراهم کرده است که اگر مشکلات صنعت احصا و اولویت‌بندی و به دانشگاه‌ها اعلام شود، می‌تواند نتایج تحقیقات دانشگاهی را به سمت نیاز فیلد حرکت داده و فواید زیادی برای صنعت به ارمغان بیاورد.

به نظر شما چه اولویت‌های پژوهشی حال حاضر در حوزه دامپزشکی برای کنترل بهتر بیماری‌ها در کشور وجود دارد؟

همانطور که قبلاً عرض کردم، ما باید برای بیماری‌های شایع و مهم، برنامه تحقیقاتی مدون داشته باشیم و بویژه در مناطق پرخطر که وقوع بیماری بیشتر است، از ظرفیت‌های دانشگاه‌های آن منطقه استفاده شود. زینبده کشور نیست که بالای ۵۰ سال با بروسلوز برنامه ملی داشته باشیم و آمار رسمی مبتلایان انسانی ما قریب ۲۰ هزار نفر باشد (استحضار دارید که بر اساس نظر سازمان جهانی بهداشت، آمار واقعی این بیماری حداقل ده برابر آمار رسمی است). یا بیان یک ایده کلی می‌تواند جالب باشد و آن مراقبت کشتارگاهی بیماری‌ها است. حضور پرسنل دامپزشکی در کشتارگاه‌ها صرفاً بازرسی بهداشتی است در حالی که با استفاده از داده‌های کشتارگاه اگر بصورت دقیق‌تر ثبت شود، می‌توان در شناسایی کانون‌ها و مدیریت آنها استفاده کرد. مثلاً در آمریکا تجربه مراقبت کشتارگاهی برای کنترل سل گاوی که بسیار موفق بوده است، منتشر شده است. به هر حال در خصوص این سوال خیلی بیشتر می‌توان صحبت کرد و من کلی و در حوزه تخصص خودم فقط یک اشاره کردم.

همکاری صنعت دامپزشکی و دامپروری کشور با دانشگاه به چه صورت است؟ دانشگاه چگونه می تواند در توسعه صنعت و

افزایش بهره‌وری موثر باشد؟

تا آنجا که من اطلاع دارم، صنعت به اساتیدی که احساس می کنند می توانند به مشکلات و مسائل شان، مانند مشاوره، درمان، و امثال این پاسخ دهند، مراجعه می کند. این ظرفیت از طرف صنعت مورد غفلت آنچنانی واقع نشده است. ولی از سوی دیگر دانشگاه نیز باید به مسئولیت های خود بیشتر واقف باشد تا بتواند مشکلات صنعت را شناسایی، همگام با آنها حرکت کند. ما در این رابطه یک سری مشکلات ساختاری داریم مثلاً برای فعالیت دامپزشکان بالینی در جامعه، سختگیرانه برخورد می شود. وزارت بهداشت تا این حد سختگیرانه به موضوع نگاه نمی کند. به هر حال کسی که یک متخصص است و خارج از دانشگاه مراجعات بالینی می پذیرد، در کلاس درس هم موفق تر خواهد بود و طبیعتاً به مشکلات صنعت نیز بهتر می تواند پاسخ دهد. این یک ارتباط و فعالیت در بخش خصوصی است.

همکارانی که در حوزه علوم پایه در بخش آزمایشگاه و مواردی از این دست فعالیت دارند نیز دارای شرایط مشابهی هستند.

در کشور به ویژه در حوزه های مهندسی راه حل های خوبی برای این مساله امتحان شده است. مثلاً اساتید تحت عنوان طرح هایی مانند فرصت مطالعاتی و یا ماموریت، وارد صنعت می شوند و دوره ای را در آنجا طی می کنند.

چند سال پیش یکی از اساتید دانشکده که در حال حاضر بازنشسته هستند، می گفتند در زمان تحصیل خود در آمریکا شاهد بودند که در فصل تابستان اساتید بخش کشاورزی وارد فیلد می شوند. در آنجا با مشکلات آشنا می شوند و برای سال تحصیلی بعد با دست پر تر باز می گردند. در نتیجه آموزش و پژوهش را بر اساس شناختی که از فیلد پیدا کرده اند، تعریف و جهت دهی می کنند. متأسفانه ما در دامپزشکی مان از این خلاء ها زیاد داریم. میبایست دانشگاهیان را در مشکلات صنعت، مشکلات سازمان دامپزشکی و نظام دامپزشکی، و مشکلات بخش خصوصی درگیر کرد تا بتوانند نسل های بعدی را متناسب با نیاز جامعه تربیت کنند.

تا زمانی که هیئت علمی در میدان درگیر مشکلات نباشد، نباید انتظار داشت که دانش آموخته آن استاد و آن دانشگاه متناسب با نیازهای جامعه تربیت شده و فعالیت کند.

ظرفیت های قانونی و آیین نامه ای کشور برای استفاده عملی از خدمات دانشگاهی به چه صورت است؟ آیا پیشنهادی برای بهبود این ظرفیتها دارید؟

در حال حاضر بخش ارتباط با صنعت در وزارت علوم بسیار مورد عنایت است. اساتید و هیئت علمی ها را تشویق به حضور در صنعت می کنند. در سال ۱۴۰۱ که بنا بر تولید بر اساس دانش است، و مقام معظم رهبری نیز بر تولید دانش بنیان و کارآفرینی تاکید کرده اند، از نظر قانونی ظرفیت های خوبی وجود دارد. اتفاقی که در سال ۱۴۰۰ همزمان با شروع دولت جدید افتاد، ایجاد معاونت فناوری و نوآوری در وزارت علوم

است. این معاونت نیز در همین راستا تعریف شده و همه اینها به معنای دعوت از دانشگاه ها برای ورود به عرصه جامعه است تا مشکلات را شناسایی و متناسب با آن ها پژوهش کنند. پیشنهاد من این است که درهای بین دانشگاه و جامعه باز شود.

در رابطه با بیماری ها در سازمان دامپزشکی نیازمند کمیته های فنی منسجم تر و علمی تر بر اساس یک تقویم زمانی مشخص هستیم. در سال های اخیر فعالیت کمیته های فنی نسبت به سال های گذشته محدودتر و موردی تر شده است. مثلاً ممکن است در زمان شیوع یک بیماری، تنها شاهد برگزاری یک جلسه کمیته فنی باشیم. این کمیته ها که بعضی از اعضای آنها اساتید دانشگاهی هستند، خیلی به مدیریت بهتر این بیماری ها کمک می کنند.

رسانه های تخصصی حوزه دامپزشکی و دامپروری تا چه حد می توانند در ایجاد ارتباط موثر و هماهنگ بین بخش علمی-پژوهشی با حوزه های صنعتی و اجرایی نقش آفرین باشند؟

رسانه ها بسیار می توانند در این زمینه موثر عمل کند. اعتقاد من این است که شما در همین مصاحبه هایی که زحمت میکشید و انجام می دهید، که انشاءالله موثر و مفید هم هست، بتوانید در قالب نشست های چندجانبه مانند میزگرد که می تواند به شکل حضوری و یا مجازی برگزار شود، از صنعت و حوزه های دانشگاهی دعوت کنید تا طی این تعاملات، مشکل ها شناسایی شده و منعکس شده و طبیعتاً به تبع آن، مقدمات عمل فراهم شود. شاید در همین جلسات پروژه های مشترکی در جهت حل مشکلات تعریف شود.

آیا دامیران را می خوانید؟ دامیران و دانشگاه چه همکاری هایی در جهت رشد دانش و صنعت دامپزشکی می توانند داشته باشند؟

من دامیران را نیز مطالعه می کنم. پایگاه بسیار ارزشمندی است. دانشنامه ای که تحت عنوان دانشنامه جم تعریف کرده است، مصاحبه های با کیفیتی که با کارشناسان و مسئولین انجام می دهد، پایگاه بسیار خوبی به عنوان تریبون بیان مشکلات صنعت و مجموعه های مرتبط با صنوف دامپروری و دامپزشکی است. برای شما آرزوی موفقیت می کنم.

همکاری که دامیران با دانشگاه می تواند داشته باشد، به صورت مراجعه به اساتید دانشگاه در زمان وقوع مشکلات در صنعت و اخذ نظر این اساتید است. این می تواند حداقل ارتباط و همکاری دامیران با دانشگاه باشد. در مراحل بعدی برگزاری همان نشست های چندجانبه می تواند اتفاقات خوبی را رقم بزند.

در آخر امیدوارم که سال جدید که مقارن با شروع قرن جدید است، سال و قرن خوبی از نظر تولید و امنیت غذایی و سایر زمینه هایی که برازنده ملت بزرگ ایران عزیزمان است، باشد.